



ماه‌پاره

وقتی پیرزن با عجله فاصله بین ورودی مجتمع تا خروجی حیاط را پشت سر گذاشت و در را بست دیگر هیچ کس او را ندید و صدایی از غرغره‌های همیشگی‌اش نشنید.

عجیب بود هیچ کس از پیرزن تنهاخبری نداشت تا این که دختر جوانی هر چه زنگ طبقه سوم ساختمان را فشار داد جوابی نشنید او چاره‌ای نداشت تا این که با نگرانی زنگ خانه همسایه مادر بزرگش را زد.

یک روز بیشتر به عید نمانده بود، رویا ظاهری نگران و پریشان داشت طلاخانم او را به داخل خانه دعوت کرد و خواست لیوان آبی بنوشد.

–طلاخانم از مامان جون خبری نیست، چند روزیه به این جازنگ می‌زنم اما صداشو نمی‌شنوم فکر می‌کردم رفته خونه خاله‌ه زری چون رفت و آمد نداریم به آن جازنگ نزنم، عادت داشت نزدیک عید که می‌شد یک سری به خونه‌های دخترها بزنم اما...

پیرزن لبخندی زد و گفت که نگران نباشد.

–رویا جون، نگران نباش، ماه‌پاره هیچ کارش نمی‌شه، اون رفته رفته ز رنگ‌تر هم می‌شه، نمی‌دونی سه‌روز پیش توی حیاط بودم من از پنجره دیدم که قدم‌های تندی برمی‌داشت، بعد از دو بیرون‌رفت، کیفش هم‌روی دوشش بود، سنگین هم بود حتما عیدی‌های دو تا دخترش رو داخلش گذاشته بود.

هنوز لیوان آب‌را تا نصفه خالی نکرده بود که زنگ خانه طلاخانم به صدا درآمد. رویا با تعجب دید که چشمان طلاخانم بعد از برداشتن گوشی آیفون گردتر شده و به لکنت افتاده است، بعد که شاسی در باز کناراز دو گوشی‌راسر جایش گذاشت با حالتی پریشان‌بست رویا، برگشت. –دخترم مثل این که خاله‌زری است، او هم نگران ماه‌پاره است، نکته اتفاقی افتاده باشد.

وقتی خاله‌زری داخل خانه طلاخانم‌شد با دیدن رویا خواست برگردد که پیرزن با صدایی لرزان گفت که خصومت‌ها را کنار بگذارند و به فکر ماه‌پاره باشند. همه زانوی غم بغل کرده بودند، تصور می‌کردند آخرین باری که به خارج از خانه رفته است حتما برای او اتفاقی افتاده است، تصمیم گرفتند به پلیس ۱۱۰ زنگ بزنند، وقتی اپراتور همه مشخصات ماه‌پاره خانم را گرفت، گفت که در سه‌روز گذشته تصادفی رخ نداده که پیرزنی در آن مجروح یا کشته شده باشد. نمی‌شد دست روی دست گذاشت و کاری نکرد، رویا و خاله‌زری از خانه طلاخانم در آمدند تا به جاهایی که احتمالاً داشت ماه‌پاره برود سر بزنند، با عجله از پله‌ها پایین می‌آمدند که در پاگرد طبقه سوم و جلوی در خانه مادر جون، کفش‌های او را دیدند که در گوشه‌ای از چارچوب در به صورت مرتبی قرار داده شده بود.

هر دو می‌دانستند که ماه‌پاره خانم جز این کفش‌ها هیچ کفش دیگری نداشت، او عادت کرده بود وقتی کفشش خراب می‌شد به مغازه می‌رفت، همان جا کفش‌ها را عوض می‌کرد و کفش‌های کهنه‌را بیرون می‌انداخت.

حتما برگشته بود. به جز ماه‌پاره خانم و زن و شوهر سرایدار هیچ کس در آن خانه زندگی نمی‌کرد، رویا و خاله‌زری در آخرین تماسی که با پیرزن داشتند شنیده بودند که لیلا و احمد به مرخصی عید رفته اند و او تنهاست.

چند دقیقه بعد به زردند، رویا مرتب زنگ می‌زد اما خبری نبود، خواستند سمت پله‌ها حرکت کنند که رویا رو به خاله زری گفت: خاله بوی بدی از درزهای این در بیرون می‌آید، عین گربه مرده، نکنه نکنه، نه خدا نکنه، کاش اشتباه کرده باشم.

خاله‌زری بعد از این که بینی‌اش را لای درزها کرد و نفس بلندی کشید با گفتن این که خانه خراب شدیم به سر و صورتش زد و از هوش رفت.

دقایقی بعد آتش‌نشانی و پلیس سر رسیدند در خانه ماه‌پاره را شکستند و هنوز داخل نرفته بودند که دیدند جنازه پیرزن تنها و سب‌پذیری افتاده است. علت مرگ افتادن به زمین و ضربه به سرش بود که اگر کسی کنارش بود و به موقع او را به بیمارستان می‌رساند عیدی مادر بزرگ همیشه در کیفش نمی‌ماند.

سه‌شنبه۱۳ اسفند ۱۳۹۸

۸رجب ۱۴۴۱. شماره ۲۰۳۳۳

وسوسه کثیف دلار برای قتل همخانه‌ثروتمند

مرد جوانی که با مرد ۶۸ساله تنهایی آشنا و همخانه شده بود در اقدامی هولناک دست به قتل اوزد.

وسوسه سرقت ۳۰ هزار دلاری در شهر ک‌غرب از این مرد قاتل ساخت.

■ **دلارهای کثیف**

ظهر هفتمین روز اردیبهشت ۹۴ مرد جوانی که پیک موتوری‌یک صراف‌ی بود ۳۰ هزار دلار از صاحب صرافی تحویل گرفت تا به مرد ۶۸ساله‌ای در شهر ک‌غرب تحویل دهد و پول آن را بگیرد.

پسر جوان که بارها این کار را کرده بود وقتی جلوی در خانه مشتری دلارها رفت زنگ‌خانه را به صدا آورد که مرد جوانی پشت آیفون خانه بود و از او خواست داخل خانه شود.

راننده پیک موتوری که به حرف‌های مرد جوان اعتماد کرده بود وارد خانه شد که ناگهان مرد جوان به روی او اسلحه کشید و با تهدید ۳۰ هزار دلار را سرقت کرد و سپس دست و پا‌های پسر جوان را با نوار پلاستیکی بست و پس از سرقت دلارها به سرعت پا به فرار گذاشت.

■ **نگرانی مرد صراف**

مرد صراف بعد از یک ساعت وقتی دید خبری از پیک موتوری اش نشده است نگران شد و به موبایلش زنگ زد، پسر جوان که هندزفری داشت جواب تلفن را داد و از ندانی‌شدن در همان محل تحویل دلارها خبر داد. بدین ترتیب تیمی از ماموران کلانتری ۱۳۴ شهر ک قدس به خیابان طاهر‌خانی رفتند و وقتی وارد طبقه دوم ساختمان پنج طبقه شدند با جسد مرد ۶۸ساله‌ای که از ناحیه کتف هدف شلیک گلوله قرار گرفته بود و درشته‌ای پلاستیکی به دور گردنش پیچیده شده بود مواجه شدند. در اتاق کناری این جنازه نیز پسر جوانی را که دست و پاهایش با نوار پلاستیکی بسته شده بود مشاهده کردند. پسر جوان که راننده پیک موتوری بود به ماموران گفت: مدیر صرافی خواست تا ۳۰ هزار دلار را تحویل مجید بدهم، وقتی زنگ‌خانه را زدم مردی پشت آیفون بود که خواست دلارها را داخل آلتان بدم، وقتی وارد ساختمان شدم ناگهان مرد جوانی را با در دست داشتن اسلحه پیش روی خودم دیدم، شو که شده بودم که مرا به اتاق خواب کناری برد و جسد مجید را که روی تخت بود نشانم داد و سپس خواست روی زمین دراز بکشم و بعد از بست دست و پاهایم دلارها را از من گرفت و از ساختمان خارج شد.

■ **تحقیقات پلیسی**

بدین ترتیب تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران به دستور بازپرس ویژه قتل وارد عمل شدند و در گام نخست دوربین‌های مدار بسته در محل را بررسی کردند و

جنایت در بزم مستانه ۲دوست تهرانی

پسر نوجوان که در بزم شبانه دست به قتل دوستش زده بود محاکمه شد.

این پسر دیروز در دادگاه از خود دفاع کرد و مدعی شد در دفاع از خودش چاقو کشیده است.

■ **مرگ در بیمارستان**

عصر شامگاه دهم بهمن ماه سال ۹۷ پیکر خونین پسر ۱۷ساله‌ای به نام بردیا به بیمارستانی در جنوب تهران منتقل شد که از ناحیه سینه چاقو خورده بود. وی تحت عمل جراحی قرار گرفت اما تلاش پزشکان برای نجات‌وی بی نتیجه ماند و بردیا به دلیل شدت خون‌ریزی روی تخت بیمارستان تسلیم مرگ شد.

شواهد نشان می‌داد وی در خانه دوستش پر هام مهمان بوده که با ضربه چاقوی وی از پا درآمده است.

■ **بازداشت پسر ۱۷ساله**

با افشای این ماجرا پر هام که همراه پدر و مادرش، پیکر نیمه جان بردیا را به بیمارستان رسانده بود بازداشت شد و به درگیری خونین با مهمانش اعتراف کرد.

وی گفت: من و بردیا از سال‌ها قبل با هم دوست بودیم. آن روز بردیا در غیاب پدر و مادرم به خانه ما آمده بود تا با هم خوش‌گذرانی کنیم. ما مهمانی دوفرهه ترتیب داده بودیم که با هم مشروب خور دیم و مشغول تماشای فیلم شدیم اما یک‌باره بردیا پیشنهاد عجیبی را مطرح کرد که از شنیدن آن عصبانی شدم به همین دلیل با هم درگیر شدیم و من با چاقو او را زدم.

وی ادامه داد: وقتی بردیا خونین روی زمین افتاد از ترسم با پدر و مادرم تماس گرفتم و بلافاصله او را به بیمارستان رساندیم اما کار از کار گذشته بود.

■ **در دادگاه**

به دنبال اعتراف‌های پسر نوجوان و بازسازی صحنه جرم برای وی کیفرخواست صادر شد و وی دیروز در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.

در ابتدای جلسه پدر و مادر بردیا برای قاتل پسرشان حکم قصاص خواستند.

مادر داغدار در حالی که اشک می‌ریخت با اشاره به متهم گفت: پسرم مهمان خانه پر هام بود اما وی رحمانه پسرم را کشت. به همین دلیل حاضر به گذشت نیستم و برایش

دعای آمرزش خواهم.

از انتقال به بیمارستان تسلیم مرگ شده است. بدین ترتیب ماموران به بررسی دوربین مدار بسته مغازه پسر جوان پرداختند و پی بردند که قبل از آتش‌سوزی دو نفر از دوستان پسر جوان وارد مغازه شدند و در حال شوخی و پاشیدن برف شادی بودند که یکی از آن‌ها اقدام به روشن کردن فندکش می‌کند و همین باعث آتش‌سوزی مغازه می‌شود و دو جوان به سرعت از مغازه خارج می‌شوند و پا به فرار می‌گذارند. بنا بر این گزارش، بازپرس واحدی با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده دستور بازداشت دو جوان را صادر کرده است و تحقیقات تکمیلی در این پرونده ادامه دارد.

برف‌شادی مرگی تلخ را رقم زد

از انتقال به بیمارستان تسلیم مرگ شده است. بدین ترتیب ماموران به بررسی دوربین مدار بسته مغازه پسر جوان پرداختند و پی بردند که قبل از آتش‌سوزی دو نفر از دوستان پسر جوان وارد مغازه شدند و در حال شوخی و پاشیدن برف شادی بودند که یکی از آن‌ها اقدام به روشن کردن فندکش می‌کند و همین باعث آتش‌سوزی مغازه می‌شود و دو جوان به سرعت از مغازه خارج می‌شوند و پا به فرار می‌گذارند. بنا بر این گزارش، بازپرس واحدی با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده دستور بازداشت دو جوان را صادر کرده است و تحقیقات تکمیلی در این پرونده ادامه دارد.



پنهان کردم.

این ادعا در حالی بود که ماموران با حضور در ساختمان نیمه‌کاره به تحقیق پرداختند اما خبری از دلارها و اسلحه نبود.

■ **در دادگاه**

امین پس از تحقیقات تکمیلی و صدور کیفرخواست برای صدور حکم نهایی به دادگاه یک استان تهران منتقل شد و در این جلسه اولیای دم خواستار قصاص امین شدند و قضات پس از رسیدگی به پرونده و شنیدن اظهارات عامل جنایت وارد شور شدند و حکم قصاص – اعدام – امین را صادر کردند که در ادامه این حکم در شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار گرفت.

در حالی که امین در انتظار چوبه دار بود، واحد صلح و سازش شعبه ۵ دادسرای امور جنایی تهران اعلام کرد خانواده مجید حاضر به بخشش با دریافت دیه شدند. بنا بر این گزارش، برادر مجید که یکی از اولیای دم است در این خصوص اعلام کرد که در صورتی که قاتل در این مدت رفتار و اخلاق خوبی داشته باشد و تعهد دهد بعد از آزادی آدم خوبی باشد و زندگی سالمی داشته باشد بدون دریافت دیه حاضر به بخشیدن امین است.

تحلیل کارشناس

خطرانی که زنان و مردان تنها را گرفتار می‌کند

دکتر مصطفی اقلیمار رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ایران مردان و زنان تنها چه در جوانی و چه در میان‌سالی دچار آسیب‌های اجتماعی می‌شوند و همیشه خطرانی در کمین آن‌ها نهفته است. در جامعه کنونی که زندگی اغلب افراد شهرنشینی شده است و از زندگی سنتی فاصله گرفته‌اند و به تنها زندگی کردن روی آورده‌اند، برخی افراد به خاطر نداشتن خانواده یا دوست مناسب تنها می‌شوند و به تنها زندگی کردن محکوم هستند اما برخی افراد تنها زندگی کردن را دوست دارند و چون روحیه جمع‌گرایی ندارند رو به تنهایی می‌آورند و برای خود تنها زندگی کردن را انتخاب می‌کنند و ممکن است برخی از آن‌ها نیز برای خود همخانه اختیار کنند که این همخانه تهدید جدی برای زنان و مردان تنها به‌شمار می‌رود.

این در حالی است که تنهازندگی کردن ضوابط و قوانینی دارد که افراد در جامعه سنتی به آن احترام نمی‌گذارند و قاعده آن را رعایت نمی‌کنند. در کشور ما که زندگی از روند سنتی به مدرن در حال گذار است تنهازیستن به شکل یک پدیده اجتماعی درآمده که به تبع آن مشکلات خاصی نیز در جامعه رو به افزایش است این در حالی است که زنان و مردان جامعه ما هنوز وابستگی و عادت‌های شان را ترک نکرده‌اند و با ضوابط تنهازندگی کردن آشنا نیستند و به همین دلیل است که دچار خطرات عدیده‌ای می‌شوند.

برای تنها زندگی کردن، زنان و مردان نیازمند رعایت یک سری قواعد و اصول هستند و باید فرهنگ این پدیده را داشته باشند و برای انتخاب همخانه باید عواملی چون فرهنگ، طبقات خانوادگی، نوع سلیقه، سبک زندگی و... را مد نظر قرار دهند. هماهنگی در اخلاق و رفتار سبب کاهش بزه و جرم در میان این قبیل افرادی می‌شود اما اگر به قواعد احترام نگذارند شاهد پرونده‌هایی چون تجاوز، قتل، سرقت و... هستیم.

تنهازیستن مشکلاتی دارد که باید تحت هر شرایط آن را تحمل کنند و معمولاً افرادی رو به تنهازیستن می‌آورند که حامی محکمی در زندگی ندارند؛ زیرا حقیقات و روحیات ایرانی‌ها به این شکل است که در جمع زیستن را بیشتر از تنهایی می‌پسندند. در جوامع کوچک که افراد تنهازندگی می‌کنند نظارت اجتماعی بیشتر است و افراد تنها چه جوان و چه سالمند از مشکلاتی مانند تجاوز، سرقت اموال و قتل در امان هستند اما تنهازندگی کردن در شهرهای بزرگ چون قوانین اجرایی‌شود و کمبودهای زیادی دیده می‌شود و نظارت اجتماعی کمتر است باعث می‌شود جرایم خرد و کلان نیز بیشتر شود.

تازمانی که ضوابطی برای این سبک از زندگی تعریف نشود جامعه درگیر این مشکلات است و نمی‌توان توقع داشت تنهازندگی کردن کمتر شود. برخی افراد به دلیل فشارهای روحی، روانی، ... تمایل به تنهازندگی کردن دارند و تنهازیستن معلولی از علت‌ها به‌شمار می‌رود و تازمانی که علت‌ها شناسایی و برطرف نشود نمی‌توان مشکلات را برطرف کرد.

بن‌بست ۴ساله در معمای یک جنایت

اما این مرد به دلیل شدت خون‌ریزی روی تخت بیمارستان تسلیم مرگ شد و با توجه به جنایی شدن پرونده تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران برای دستگیری عاملان این جنایت وارد عمل شدند.

کارآگاهان در این مرحله پی بردند که دزدان با حمله به خودروی مرد تنها اقدام به سرقت کرده‌اند و شماره پلاک خودروی سرقت شده در سامانه سراسری پلیس ثبت شد. تجسس‌های پلیسی ادامه داشت تا این که پس از دو روز خودروی سرقتی حوالی منطقه پاکدشت به صورت رها شده پیدا شد و ماموران اطلاع پیدا کردند دزدان پول و جعبه ابزار داخل خودرو را به سرقت برده‌اند. با گذشت چهار سال از این سرقت مرگبار تحقیقات پلیسی به بن‌بست رسید و ردی از قاتلان به دست نیامد و خانواده وی با حضور در دادسرای امور جنایی خواستار دریافت دیه از بیت‌المال شدند.

بنا بر این گزارش، پرونده برای صدور حکم و در خواست دیه از بیت‌المال به دادگاه یک کیفری استان تهران ارجاع خواهد شد.

سرقت‌های ۱۰۰ میلیونی برای خرید هدیه به ۲ دختر



سروژه‌ها در محلی خلوت در فرستی مناسب با تهدید سلاح سرد، گوشی و اموال با ارزش مال بختگان را سرقت می‌کردیم. متهمان به ۱۵ سرقت در محدوده شهرهای تهران، اسلامشهر و پرند به ارزش‌ریالی اموال مسروقه بیش از یک میلیارد ریال اعتراف کردند. بنا بر این گزارش، تا کنون پنج قربانی دسیسه این زورگیران شناسایی و هر دو جوان با صدور قرار قانونی روانه زندان شده‌اند.

های ویژه پلیسی مشخصات همدست وی به نام مجتبی ۱۹ساله و مخفیگاه وی نیز شناسایی شد.

با دستور قضایی چهاردهم بهمن هر دو دزد در عملیات‌های همزمان و جداگانه در محدوده جنوب غربی استان تهران دستگیر شدند. دزدان اعلام کردند، به خاطر نزدیکی به ولنتاین نیاز به پول برای خرید کادو داشتیم و به فکر سرقت افتادیم، با یک موتورسیکلت به شهر تهران می‌آمدیم و پس از شناسایی